

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سخنانه‌های غفران

عبدالله

سخنانه‌های معصومین در پیروزی از غلو و غالیان

مهدی صدیقی



تنفر اهل بیت (علیهم السلام) از غالیان

مهدی صدری

انتشارات دلیل ما

چاپ اول: بهار ۱۴۰۳

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

چاپ: نگین

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۴۴۲ - ۳۶۵

تلفن و نمابر: ۳۷۷۴۴۹۸۸ - ۳۷۷۳۳۴۱۳ (+۹۸۲۵)

دفتر مرکزی: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه ششم، واحد ۶۱۲ و ۶۱۳

ارتباط با ما: Info@dalilema.ir | www.dalilema.ir (خرید آنلاین)

مراکز پخش

قم - خیابان معلم - مجتمع ناشران - طبقه B - واحد ۴۴ | تلفن: ۳۷۷۴۴۹۸۸ و ۳۷۷۳۳۴۱۳
قم - خیابان صفائیه - مجتمع تجاری زمرد - طبقه سوم - انتشارات راسخون | تلفن: ۳۷۷۴۹۴۲۲
قم - خیابان معلم - مجتمع ناشران - طبقه ۲، پلاک ۱۳۲، مطالعات شیعی | تلفن: ۰۹۱۹۳۹۰۸۹۵۰



انتشارات دلیل ما
www.dalilema.ir

مرکز نشر و پخش کتب معارف اهل بیت (علیهم السلام)
۹ سال ناشر نمونه و برگزیده کشوری
با تولید بیش از ۱۰۰۰ عنوان کتاب

سرشناسه : صدری، مهدی، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور : تنفر اهل بیت (علیهم السلام) از غالیان / مهدی صدری.
مشخصات نشر : تهران، ذیل ما، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری : ۴۸ ص: ۱۲/۵ • ۲۱/۵ س. م.
شابک : ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۴۴۲ - ۳۶۵
وضعیت فهرست نویسی : فیا
یادداشت : کتابخانه به صورت زیرنویس.
موضوع : غلاة شیعه
Shiite extremists*
غلاة شیعه -- دفاعیه ها و ردیه ها
Shiite extremists -- Controversial Literature*
غلاة شیعه -- عقاید
Shiite extremists -- Doctrines*
BP 241 : رده بندی کنگره
۲۹۷/۵۲۸ : رده بندی دیویی
۹۵۸۶۹۲ : شماره کتابشناسی ملی

بسم الله الرحمن الرحيم

اگر بدانید کسی با گفتار و رفتارش اهل بیت علیهم السلام را آزار می دهد نسبت به او چه واکنشی دارید ؟
اگر بفهمید کسی مطرود آستان امام زمان علیه السلام است و آن حضرت و پدران بزرگوارش علیهم السلام او را لعن و نفرین می کنند با او چه خواهید کرد ؟
ما که همیشه آرزوی یاری خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام را داریم و با زبان حال و قال می گوئیم :

«أنا سلمٌ لمن سالمكم و حربٌ لمن حاربكم و وليٌّ لمن والاكم و عدوٌّ لمن عاداكم»
باید به آنچه می گوئیم پایبند بوده و با غالیان که سبب اذیت و آزار اهل بیت علیهم السلام هستند مماشات نداشته باشیم و بیزاری و تنفر معصومین علیهم السلام از آنان را ساده نگیریم.

غالیان از دیدگاه معصومین علیهم السلام

روایات فراوان در مذمت غالیان وارد شده است. اهل بیت علیهم السلام آنان را لعن و نفرین کرده، از آنان بیزاری جسته، و تنفرشان را از کسی که در

بیزاری از آنان توقف و تردید یا از آن امتناع نماید اعلام و او را نیز لعن کرده‌اند، چه رسد به کسی که آنها را تأیید و تصدیق نماید که از دایره ایمان خارج شده است. و نیز کسی را که دلسوزی و ترحم نسبت به غالیان داشته باشد نفرین کرده‌اند. غالی به اندازهٔ بال پشه دین ندارد، نادان، احمق، فاسق، گمراه، کافر، مشرک، رجس، نجس و از یهود، نصاری، مجوس، مشرکین و خوارج بدتر و شرورترین خلائق است. ابلیس بر او متمثل شده، او را بازی داده، مطالب غلوآمیز را به او القا کرده و افکارش شیطانی است و برخی در دروغگویی گوی سبقت را از شیطان نیز ربوده‌اند.

غالی به ترک تکالیف، عبادات و رعایت نکردن حقوق دیگران عادت کرده و نمی‌تواند توبه واقعی داشته باشد لذا اهل بیت علیهم السلام فرموده‌اند: اگر برگردد باز او را نمی‌پذیریم!! او به مراتب از مقصّر بدتر و در ردیف ناصبیان است.

غالی از ورود به بهشت، و از دیدار و شفاعت اهل بیت علیهم السلام محروم است و همراه با فرعون و خاندانش سخت‌ترین عذاب را خواهد داشت.

امامان معصوم علیهم السلام از شنیدن سخن و نظریه غالیان بر خود لرزیده، با آنان به شدت برخورد کرده و آنان را از خود رانده‌اند.

غالیان باعث اذیت و آزار پیامبر صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه و فرزندان معصومان تا امام زمان علیه السلام بوده و هستند.

امیرالمؤمنین ﷺ در دوران حکومت ظاهری پس از اتمام حجت، آنان را با دودِ آتش نابود و دیگر معصومین ﷺ - که دستشان باز نبوده - با لعن و نفرین بر آنان و در گفتار و رفتار، تنفر شدید و انزجار خود را از غالیان اعلام و دوستان و پیروانشان را از احسان، نیکی، دوستی و معاشرت با آنان به شدت نهی فرموده‌اند.^۱

نوشتار حاضر

گذشته از آن که خداوند تعالی از اهل دانش پیمان گرفته که دانش خویش را برای دیگران بیان نمایند،^۲ هنگامی که در جامعه افکار و عقائد باطل ظاهر و آشکار گردد وظیفه سنگین‌تر می‌شود.^۳

اهل بیت ﷺ تأکید ویژه داشته‌اند که مخالفشان با غالیان در سطح جامعه شیعه منتشر و به روشنی بیان شود تا همه از آن مطلع گردند.

امام باقر ﷺ با ارسال نامه از پیروانش خواست که این گروه را از خود برانند و آنها را لعن و نفرین نموده و از آنان اعلام بیزاری نمایند.^۴

امام صادق ﷺ مطلب را با اصحاب در میان گذاشت و با نامه‌نگاری به بلاد مختلف ابلاغ نمود و به راوی فرمود: به اصحاب ابوالخطاب

۱. گرفته شده از روایات بحارالانوار ۲۶۱/۲۵ - ۳۵۰ و اثبات الهداة بخش پایانی جلد آخر.

۲. الکافی ۴۱/۱، الأمالی للشیخ المفید ﷺ ۶۶، بحارالانوار ۲/ ۲۳، ۶۷.

۳. الکافی ۱/ ۵۴.

۴. دعائم الإسلام ۱/ ۴۹.

(رهبر غالیان) بگو: ما مخلوق، بنده و دست پرورده خدا هستیم.^۱
راوی دیگر می گوید: آن حضرت از من خواست که آنچه را درباره
ابوالخطاب فرمود به شیعیان خبر دهم.^۲
امام صادق (ع) فرمود: حاضرین به غایبین اطلاع دهند که من بنده
خدا، فرزند بنده خدا هستم. بنده محض و فرزند کنیز که در اصلاص
و ارحام جای داشته ام (و خداوند لم یلد و لم یولد است).^۳
حضرت صاحب الزمان (ع) در ردّ بر غالیان فرمود: این نامه امانت
است بر گردن هر کسی که از آن اطلاع یابد که همه دوستان و شیعیان ما
را از آن مطلع گرداند.^۴
نوشتار پیش رو تنظیم سخنانی گهربار از معصومین (ع) تحت ۴۰
عنوان در این زمینه است.
به امید آن که گامی باشد در راه تبیین حقیقت و امتثال فرمان
اهل بیت (ع) در اهمیت و لزوم اطلاع رسانی درباره غلو و غالیان.

قم، مهدی صدری
ماه مبارک ۱۴۴۵ ق
فروردین ۱۴۰۳ ش

۱. دعائم الإسلام ۱ / ۴۹ - ۵۰.

۲. رجال الکشی ۲ / ۵۸۳، بحارالانوار ۲۵ / ۲۹۱ - ۲۹۲.

۳. رجال الکشی ۲ / ۷۰۳ - ۷۰۴، بحارالانوار ۲۵ / ۳۰۷.

۴. الاحتجاج ۲ / ۲۸۹، بحارالانوار ۲۵ / ۲۶۶ - ۲۶۸.

۱. لزوم تعظیم خدا و پیامبر (ص) و میانه‌روی در محبت اهل بیت (ع)

امام صادق (ع) فرمود: از خدا پروا نمایید و او را تعظیم کنید. پیامبر (ص) را تعظیم نمایید و کسی را از آن حضرت برتر ندانید که خدا آن حضرت را (بر همه) برتری داده و برتر دانسته است. و اهل بیت پیامبر (ص) را دوست بدارید و در این محبت اعتدال داشته باشید. مبدا غلو و زیاده‌روی و تفرقه‌انگیزی ننمایید (و فرقه‌های مختلف با عقائد گوناگون به وجود آورید). آنچه را که ما نمی‌گوییم شما (نیز) نگوئید....^۱

۲. غالیان سبب تخریب چهره نورانی اهل بیت (ع)

امام صادق (ع) فرمود: همیشه کذابی هست که بر ما خاندان - که راستگو هستیم - دروغ بندد و با دروغش صدق ما (و جایگاه راستین و واقعی ما) را نزد مردم خراب و از اعتبار ساقط نماید....

سپس حضرت عده‌ای از غالیان را که بر معصومین (ع) دروغ می‌بستند از جمله: عبدالله بن سبا، حارث شامی، بنان، مغیره بن سعید، بزیع، سری، ابوالخطاب، معمر، بشار [شعیری]، حمزه [بربری] و صائد نهدی را نام برده فرمود:

خدا لعنتشان کند! ما همیشه مبتلا هستیم به دروغ‌گویی که بر ما دروغ بندد یا به افراد سست‌اندیش. خدا ما را از شرّ دروغ‌گویان کفایت نماید و سوزش آهن (یعنی برندگی و تیزی شمشیر) را به آنان بچشانند.^۲

۱. قرب الاسناد ۱۲۹، الأصول الستة عشر ۱۲۵، بحارالانوار ۲۶۹/۲۵.

۲. رجوع شود به رجال الکشی ۱/۳۲۴ و ۲/۵۹۳، بحارالانوار ۲۱۷/۲ و ۲۶۲/۲۵، ۲۸۷.

علامه مجلسی (ع) فرموده: سست‌اندیش کسانی هستند که به چیزی اعتقاد دارند که عقل مستقیم آن را نمی‌پذیرد و تکذیب می‌کند.

۳. غالی بر دین ما نیست

کسی به امام صادق (ع) عرض کرد: بعضی بر این پندار هستند که شما خدا هستید و بعضی شما را رسولان الهی می‌دانند (با استناد بیجا به آیه شریفه: ﴿وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهُ﴾ [الزخرف (۴۳): ۸۴] و آیه: ﴿يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ [المؤمنون (۲۳): ۵۱]). حضرت در هر دو مورد فرمود: گوش، چشم، موی، پوست، گوشت و خون من از آنها بیزار است. خدا و پیامبر (ص) از آنها بیزار باشند. آنها بر دین من و دین پدران من (ص) نیستند.^۱

۴. هلاکت غالیان

امیرالمؤمنین (ع) فرمود: دو گروه در مورد من هلاک می‌گردند: دوست غالی و دشمن کینه‌توز. و بنابر روایتی دیگر: دوست افراطی که چیزی می‌گوید که در من نیست و دشمنی که کینه‌اش باعث می‌شود بر من دروغ بندد.^۲

۱. رجوع شود به الکافی ۱ / ۲۶۹ - ۲۷۰، رجال الکشی ۲ / ۵۹۴، بحارالانوار ۲۵ / ۲۹۸.
 ۲. المناقب لابن شهر آشوب ۱ / ۲۲۷، شرح ابن أبي الحديد ۲۰ / ۲۲۰، و رجوع شود به
 ⇐

این روایت در منابع شیعه و سنی فراوان نقل شده است.

۵. نفرین امیرالمؤمنین علیه السلام بر غالیان

امیرالمؤمنین علیه السلام به درگاه الهی عرضه داشت: خدایا من از غالیان بیزارم مانند بیزاری عیسی بن مریم علیه السلام از نصاری. خدایا آنها را برای همیشه خوار و ذلیل گردان و هیچ کسی از آنان را یاری نفرما.^۱

۶. بیانی زیبا در عجب و نادانی غالیان

در ضمن گزارشی طولانی آمده است: کسی به ثامن الائمه، امام رضا علیه السلام گفت: پدر و مادرم فدایت، ای پسر پیامبر، بعضی که ادعای محبت شما را دارند می‌گویند: علی علیه السلام پروردگار جهانیان است و تمام صفاتی را که شما برای خدا می‌فرمایید برای علی علیه السلام می‌دانند.

امام علیه السلام از شنیدن این سخن به لرزه افتاد و عرق از جبین مبارکش جاری گردید و فرمود: سبحان الله، خدا منزّه و بسیار بالاتر است از آنچه ستمگران و کافران می‌گویند. مگر علی علیه السلام مانند دیگران غذا نمی‌خورد، آب نمی‌آشامید،

⇒ عیون أخبار الرضا علیه السلام ۲ / ۲۱۷، نهج البلاغة ۴ / ۱۰۸، الغارات ۲ / ۵۸۸، ۵۹۰، الأمالی للشيخ الطوسي علیه السلام ۲۵۶، بحارالانوار ۱۰ / ۲۱۷ و ۲۵ / ۱۳۵، ۲۷۲، ۲۸۵ و ۳۱ / ۶۶۰ و ۳۳ / ۳۷۳ و ۳۴ / ۳۴۴، ۳۶۱ - ۳۶۲ و ۳۵ / ۳۱۷، ۳۱۹، ۳۲۲.
۱. الأمالی للشيخ الطوسي علیه السلام ۶۵۰، المناقب لابن شهر آشوب ۱ / ۲۲۶، بحارالانوار ۲۵ / ۲۶۶، ۲۸۴.

از دواج نمی‌کرد... و با تمام این اوصاف با خضوع
و خشوع در برابر خدا نماز می‌گزارد و بسیار سوز و گداز
داشت. چگونه ممکن است چنین کسی خدا باشد؟! [کسی
که خودش معبود است چه کسی را عبادت می‌کند؟]

آن مرد گفت: آنها می‌گویند: او معجزاتی داشته که از غیر خدا صادر
نمی‌شود، پس او خداست. و صفات مخلوقین را از خود آشکار نموده
تا امر بر مردم مشتبه شود و آنها را آزمایش نماید که او را بشناسند و با
اختیار خویش به او ایمان آورند.

امام رضا علیه السلام فرمود: اولین مطلبی که اینجا هست آن که آنها نمی‌توانند
پاسخ کسی را که همین استدلال را برای آنها برعکس کند بدهند؛ زیرا
به آنها گفته می‌شود: وقتی از علی علیه السلام فقر و تنگدستی مشاهده شد معلوم
می‌شود معجزاتی که از او سر زده کار او نیست - که حادث و نیازمند است
- و کار خدای توانایی است که شباهتی به مخلوقین ندارد. این گمراهان
کافر از روی جهل و نادانی گرفتار این عقائد شده‌اند. خودبینی، عجب،
استبداد به رأی و اکتفا (و اعتماد) بر عقل (ناقص) کار آنها را بدانجا
کشانید که قدر خدا را (نشناخته و) کوچک، امر او را حقیر، و مقام عظیم
و بزرگ او را سبک و بی‌مقدار شمردند؛ زیرا نمی‌دانند که خدا قادر و غنی
بالذات است که قدرت و غنای او از دیگری نیست. او هر کسی را که
بخواهد فقیر می‌نماید و هر کسی را که بخواهد ثروتمند می‌گرداند و هر
کسی را که بخواهد ناتوان می‌نماید....

خدا بنده‌ای را اختصاص داده به قدرت (فوق العاده و) الهی تا مقام و منزلت او نزد خدا روشن شود و او را به کرامت و لطف خویش مخصوص گردانیده تا حجت بر مردم تمام شود و این الطاف پاداش اطاعت او باشد و موجب پیروی دستورش گردد و بندگان در تشخیص حجت و مقتدا ایمن از اشتباه باشند (یعنی صدور معجزات برای تشخیص حجت واقعی از مدعیان دروغگو است).

سپس حضرت برای تبیین مطلب به ذکر مثالی پرداختند که: مانند کسانی که در جستجوی پادشاهی باشند تا از بذل و بخشش او بهره‌مند شوند و از سختی و دشواری زندگی رهایی یابند. بر سر راه آن پادشاه انتظار ملاقات او را دارند که به آنها گفته شود: به زودی پادشاه با لشکریانش از راه می‌رسند، هنگامی که او را دیدید کمال احترام و تعظیم را نسبت به او بجا آورید. مبدا دیگری را به نام او بخوانید و احترامی را که مخصوص اوست برای دیگری داشته باشید که با این کار به پادشاه بی‌احترامی و توهین کرده‌اید و مستوجب کیفر و عقوبت عظیم او خواهید شد. آنها قول می‌دهند که با تمام نیرو از عهده این کار برآیند. آن‌گاه یکی از غلامان پادشاه با سپاهی با جلال و شکوه تمام از راه می‌رسد، اینها که بر سر راه پادشاه نشسته‌اند، هنگامی که او را ببینند در نظرشان بزرگ و با شخصیت جلوه کند و او را بالاتر از آن دانند که غلام پادشاه باشد (و این همه نعمت و موقعیت از خودش نباشد) لذا او

را با عنوان پادشاه تهنیت گویند و نام پادشاهی بر او گذارند و منکر آن شوند که پادشاهی برتر از او وجود داشته باشد یا او غلام دیگری باشد. آن غلام و سپاهیان شروع به سرزنش آنها نمایند و آنها را از این کار باز دارند و گویند: این همه نعمت را پادشاه به این غلام داده و او را امتیاز بخشیده است. این کار شما موجب خشم پادشاه بر شما و کیفر شما خواهد شد و از آنچه امیدوارید محروم خواهید شد. ولی آنها این هشدارها را نپذیرند و سخن آنها را تکذیب کنند و پیوسته به این کار ادامه دهند تا پادشاه بر آنها غضبناک گردد؛ زیرا می بیند که بر غلامش نام شاهی گذاشته (و او را با پادشاه برابر دانسته)، پادشاه را در مملکتش خوار و سبک شمرده و به او توهین نموده و احترام و تعظیم لازم را نسبت به او بجا نمی آورند؛ لذا همه آنها را روانه زندان کند و فرمان دهد که آنها را به بدترین شکنجه ها عذاب نمایند.

همچنین غالیان هنگامی که دیدند امیرالمؤمنین علیه السلام بنده ای است که خدا - برای آشکار نمودن مقام و فضیلتش و اقامه حجت خویش - او را گرامی داشته و اکرام نموده (به قدرت فوق العاده و توان اظهار معجزات) پس این که خدای خالق، علی علیه السلام را بنده خود قرار داده باشد نزد آنان کم شمرده شد، و علی علیه السلام را بزرگتر از آن دانستند که پروردگاری داشته باشد لذا او را به نامی که مربوط به او نیست نامیدند.

امیرالمؤمنین علیه السلام و پیروانش آنها را از این عقیده بازداشته و گفتند: علی و فرزندان علیهم السلام بندگان علیهم السلام مقرب و عزیز در درگاه خداوند و مخلوق

و تحت تدبیر او هستند و مالک و مسلط بر چیزی بیش از آنچه خدا تحت قدرتشان قرار داده نیستند. اختیار مرگ و زندگی و (حشر و) نشر و قبض و بسط و حرکت و سکونی جز به مقداری که خداوند به آنها داده ندارند. پروردگار و آفریننده آنها منزّه است از صفات مخلوقات و برتر است از داشتن صفات آفریده‌های محدود. کسی که آنها یا یکی از آنها را پروردگار بداند کافر گشته و از راه راست گمراه شده است. ولی غالیان نپذیرفتند و در طغیان و گمراهی خویش غوطه‌ور گشتند لذا به آرزویشان نرسیده و ناامید شوند و عذابی دردناک خواهند داشت.^۱

۷. سکوت در برابر غالیان، هرگز!

مصادف می‌گوید: هنگامی که در کوفه عده‌ای (از پیروان ابوالخطاب) لَبّیک گفتند من خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و جریان را گزارش دادم. امام علیه السلام به سجده افتاد و سینه خود را بر زمین چسبانید و شروع به گریه کرد و انگشت مبارکش را به قصد تضرع تکان می‌داد و می‌گفت: بلکه بنده خدا، بنده محض و (بنده ذلیل و) خوار خدایم. این مطلب را فراوان تکرار فرمود سپس سر از سجده برداشت در حالی که اشک بر محاسن شریفش جاری بود. من از رساندن این گزارش پشیمان شدم، عرض کردم: فدایت شوم، رفتار ناپسند آنها چه

۱. التفسیر المنسوب إلى الإمام العسكري علیه السلام ۵۵ - ۵۸، بحارالانوار ۲۵ / ۲۷۳ - ۲۷۸، ورجوع شود به الاحتجاج ۲ / ۲۳۲ - ۲۳۴.

ربطی به شما دارد؟! حضرت فرمود: ای مصادف! اگر حضرت عیسی (ع) ساکت می شد از آنچه نصاری دربارۀ او گفتند حق (او) بود که خدا او را کر و کور کند. اگر من ساکت باشم از آنچه ابوالخطاب می گوید حق است که خدا مرا کر و کور نماید.^۱

۸. غضب امام صادق (ع) بر غالیان

امام صادق (ع) با عصبانیت و ناراحتی فرمود: من برای کاری از خانه بیرون رفته بودم که یکی از سیاه پوستان مدینه جلو آمده و به من گفت: «لَبَّيْكَ يَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ، لَبَّيْكَ»، من بلافاصله - با ترس و لرز از این حرفی که زد - به منزل برگشتم و در محل عبادتم برای پروردگار به سجده افتادم و صورتم را به خاک مالیدم و اظهار خواری و ذلت (و خضوع و خشوع) نمودم و از مطلبی که او گفت بیزارى جستم. اگر عیسی بن مریم (ع) از آنچه خداوند درباره او فرموده بود تجاوز می نمود چنان کر می شد که هرگز چیزی نمی شنید، و کور می شد که هرگز چیزی نمی دید، و لال می گشت که هرگز سخن نمی گفت. لعنت خدا بر ابوالخطاب. خدا او را بکشد.^۲

نگارنده گوید: کلمه: «لَبَّيْكَ» برای اجابت و پاسخ مثبت دادن بکار می رود ولی غالیان که می گفتند: «لَبَّيْكَ يَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ»

۱. رجال الکشی ۲ / ۵۸۸، بحارالانوار ۲۵ / ۲۹۳.

۲. الکافی ۸ / ۲۲۵ - ۲۲۶، بحارالانوار ۲۵ / ۳۲۱.

آن حضرت را خدا می‌دانستند و مقصودشان تشبیه به: «لَبَّيْكَ
اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ...» بود که حاجیان به خدا می‌گویند. پس استعمال
لفظ «لَبَّيْكَ» فی نفسه محذوری ندارد و اگر به عنوان پاسخ
مثبت به حجت خدا استعمال شود - بدون اعتقاد به ربوبیت او -
اشکالی ندارد، مانند «لَبَّيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ» در زیارت
امام حسین علیه السلام و غیر آن.^۱

۹. خضوع معصومین علیهم السلام در برابر خدا پاسخی کوبنده برای غالیان

در ضمن روایتی طولانی آمده است که امام هادی علیه السلام به فتح بن یزید
فرمود: شاید شیطان امر را بر تو مشتبه نموده تا نسبت به مطالبی که
برای تو گفتم تردید نمایی و از راه خدا و صراط مستقیم منحرف گردی
و بگویی: «با توجه به یقینی که به مقامات اهل بیت دارم باید آنان را
پروردگار بدانم». پناه بر خدا، آنها مخلوق، مربوب (دست پرورده)
و فرمانبردار خداوند و در برابر او خوار و ذلیل و متضرع هستند. هرگاه
شیطان چنین شبهه‌ای در ذهن تو القا کرد با پاسخی که دادم بر سرش
بکوب و او را خوار و مقهور نما.

فتح بن یزید (از حضرت تشکر کرد و) گفت: آری، او به ذهن من
انداخته بود که شما پروردگار هستید.

امام هادی علیه السلام از شنیدن این سخن به سجده افتاد و در طول شب در

۱. رجوع شود به کامل الزیارات ۲۱۸، ۲۳۰، بحار الانوار ۹۸ / ۱۶۹، ۱۷۹، ۳۳۷.

سجده خویش تکرار می کرد که: «ای خالق من، در برابر تو خوار و ذلیل و فروتنم». سپس فرمود: ای فتح، نزدیک بود که هلاک گردی و دیگران را نیز به هلاکت افکنی.^۱

نگارنده گوید: نیازی به توضیح نیست که پیامبران و امامان علیهم السلام اعتراف به بندگی خدا نموده و نهایت خضوع و خشوع را در برابر خداوند داشته اند و خوف از خدا، گریه و زاری، راز و نیاز و عبادت طاقت فرسای آنان حجتی است قاطع علیه غالیان. توجه شود که در روایت گذشته، امام هادی علیه السلام فرمانبرداری و خضوع و فروتنی معصومین علیهم السلام در برابر خدای تعالی را پاسخی کوبنده در برابر القائنات شیطانی دانست و این نظیر پاسخی است که از امام رضا علیه السلام - در روایت شماره ۶ در ردّ بر غالیان - گذشت: علی علیه السلام ... با خضوع و خشوع در برابر خدا نماز می گزارد و بسیار تضرّع (و سوز و گداز) داشت ... چگونه ممکن است چنین کسی خدا باشد؟! [و کسی که خودش معبود باشد چه کسی را عبادت می کند؟!] و نیز نظیر پاسخی است که امام رضا علیه السلام به دانشمندان نصاری فرمود: حضرت عیسی علیه السلام برای که روزه می گرفت و نماز می خواند؟!^۲

۱. کشف الغمّة ۲ / ۱۸۰ - ۱۸۱، بحارالانوار ۵۰ / ۱۷۷ - ۱۷۹ و ۷۵ / ۳۶۶ - ۳۶۸، اثبات الهداة ۵ / ۳۹۶.

۲. عیون أخبار الرضا علیه السلام ۱ / ۱۴۳، التوحید ۴۲۱ - ۴۲۲، المناقب ۳ / ۴۶۲، بحارالانوار ۳۰۳ / ۱۰.

۱۰. برخورد شدید امام صادق (ع) با غالیان

امام صادق (ع) - به بشار شعیری که از غالیان بود - فرمود: برو بیرون، خدایت لعنت کند. به خدا سوگند هرگز من و تو زیر یک سقف جمع نخواهیم شد.

وقتی او بیرون رفت، حضرت فرمود: ... به خدا سوگند هیچ کس به اندازه این فاجر، خدا را کوچک نشمرده است. او شیطان فرزند شیطان است ... می خواهد اصحاب و پیروان مرا گمراه کند. از او بر حذر باشید.

باید حاضرین به غایبین اطلاع دهند که من بنده خدا، فرزند بنده خدا هستم. بنده ای محض و فرزند کنیز که در اصلاّب و ارحام جای داشته ام. من می میرم و برانگیخته می شوم، و در پیشگاه پروردگار مورد بازخواست قرار خواهم گرفت.

به خدا سوگند درباره آنچه این دروغگو درباره من گفته و ادعا نموده از من پرسیده می شود. وای بر او، خدا او را به وحشت اندازد. او در بسترش آرمیده ولی مرا به وحشت انداخته و خواب را از سر من ربوده. می دانید چرا من این مطالب را گفتم؟! برای آن که در قبرم آسوده باشم.^۱

۱. رجال الکشی ۷۰۳/۲ - ۷۰۴، بحار الانوار ۲۵ / ۳۰۷.

۱۱. فرمان امام هادی علیه السلام به قتل غالیان

راوی به امام هادی علیه السلام نوشت: فدایت گردم علی بن حَسَّکه ادعا می کند که از دوستان شماست. و شما همان (خدای) اول قدیم هستی و او باب و فرستاده و پیامبر از جانب شماست و شما به او دستور داده‌ای که مردم را به شما دعوت کند. او می گوید: نماز، زکات، حج و روزه همه این اعمال عبارت است از معرفت شما و شناخت کسانی که مثل علی بن حَسَّکه ادعای بابت و نبوت (از طرف شما) را دارند. کسی که دارای چنین معرفتی باشد مؤمن کامل است و نماز، روزه و حج از او ساقط است و تمام شرایع دین را به کیفیتی که گفته شد تأویل می نماید. بسیاری به او گرایش پیدا کرده اند. اگر صلاح بدانید بر دوستانتان منت گذارید و پاسخ دهید که موجب نجات آنان از هلاکت است.

حضرت در پاسخ مرقوم فرمود: علی بن حَسَّکه دروغ می گوید. لعنت خدا بر او باد. کافی است بدانی که من او را از موالیان خود نمی دانم. او را چه می شود؟! خدایش لعنت کند.

به خدا سوگند که خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله و دیگر پیامبران علیهم السلام را مبعوث نفرموده مگر به دین حنیف و انجام نماز، زکات، حج، روزه و ولایت. هرگز پیامبر صلی الله علیه و آله مردم را دعوت نکرده مگر به خدای یکتای بی شریک.

همچنین ما اوصیا از فرزندان او همه بنده خدا هستیم، شریکی برای خدا قائل نمی شویم. اگر ما از خدا اطاعت کنیم مورد رحمت او قرار

می‌گیریم و اگر (بر فرض محال) معصیت او کنیم ما را عذاب می‌کند. ما را حجتی بر خدا نیست بلکه حجت از خداست بر ما و تمام خلائق.

من بیزارم نزد خدا از کسی که چنین عقیده‌ای داشته باشد و این مطالب را انکار می‌کنم. از این افراد فاصله بگیرید و دوری کنید - خدا لعنتشان کند - و آنها را در تنگنا ترین مسیر قرار دهید. اگر در خلوت بر هر یک از آنها دست یافتی با سنگ بر سرش بزن (و او را نابود کن).^۱

۱۲. خالق و رازقی جز خدا نیست

قال الله تعالى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ أذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَانْصَرُوا لَهُ خَافِئُونَ﴾ [فاطر (۳۵): ۳].^۲
وقال عز من قائل: ﴿قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ﴾ [سبا (۳۴): ۲۴].^۳

زراره به امام صادق علیه السلام گفت: کسی از نسل عبدالله بن سبا قائل به تفویض است. حضرت فرمود: (مراد او از) تفویض چیست؟ گفتم: خداوند پیامبر صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام را آفرید و (امور را) به آن دو

۱. رجال الکشی ۲ / ۸۰۴، بحارالانوار ۲۵ / ۳۱۶ - ۳۱۷.

۲. ای مردم، نعمت خدا را بر خود یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست، پس چگونه [از حق] منحرف می‌شوید؟

۳. بگو: کیست که شما را از آسمان‌ها و زمین روزی می‌دهد؟ بگو: «خدا، و در حقیقت یا ما یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم.

واگذار نمود، آنها می آفرینند، روزی می دهند، می میرانند و زنده می کنند.

حضرت فرمود: به خدا این دشمن خدا دروغ می گوید، وقتی او را دیدی این آیه را برایش بخوان: ﴿أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهُ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ﴾ [الرعد (۱۳): ۱۶].^۱

زراره گوید: من نزد او رفتم و این آیه را برایش خواندم (که خالق هر چیزی خداست) دهانش بسته و گنگ شد (و پاسخی نداشت).^۲

۱۳. افترا بر امام (ع)

کسی به امام صادق (ع) عرض کرد: فلانی مدعی است که شما به او فرموده اید: ذات (خدای) قدیم را هیچ کس درک نمی کند ولی آن که می آفریند و روزی می دهد او محمد بن علی یعنی امام باقر (ع) است.

امام صادق (ع) فرمود: بر من دروغ بسته، خدا لعنتش کند. خالق جز خدای یکتای بی شریک نیست. حقا که خدا به ما مرگ را می چشاند و کسی که هرگز هلاک نخواهد شد خدای آفریننده و خالق خلق است (و مردن ما دلیل است که ما خالق نیستیم).^۳

۱. یا برای خدا شریکانی قرار داده اند که مانند آفرینش او آفریده اند و در نتیجه [این دو] آفرینش بر آنان مشتبّه شده؟ بگو: خدا آفریننده هر چیزی است، و اوست یگانه قهار.

۲. الاعتقادات للشيخ الصدوق (ع) ۳۲۲ - ۳۲۳، بحارالانوار ۲۵ / ۳۴۳ - ۳۴۴.

۳. رجال الکشی ۲ / ۴۸۸ - ۴۸۹، بحارالانوار ۲۵ / ۲۹۱.

۱۴. بیزاریم از کسی که آفرینش و روزی را به دست ما بداند

در ضمن نیایش حضرت ثامن الائمه علیه السلام به درگاه الهی آمده: خدایا من بیزارم از اینکه نیرو و قدرتی (مستقل و از پیش خود) داشته باشم، نیرو و قدرتی نیست مگر از جانب تو.

خدایا من به تو پناه می‌برم و بیزارم از کسانی که درباره ما ادعایی ناحق داشته باشند.

خدایا من بیزارم از کسانی که درباره ما چیزی بگویند که خودمان نمی‌گوییم. خدایا آفرینش مخصوص تو و رزق و روزی از جانب تو است. فقط تو را می‌پرستیم و فقط از تو یاری می‌جوییم.

خدایا تو آفریننده ما و آفریننده پدران ما هستی. ربوبیت و خدایی فقط شایسته تو است.

خدایا لعنت کن نصاری را که عظمت تو را کوچک انگاشتند و لعنت کن کسانی که اعتقادی شبیه اعتقاد آنها را داشته باشند.

خدایا ما بندگان تو و فرزند بندگان تو هستیم. از پیش خود قدرت سود و زیان، مرگ و زندگی، و حشر و نشر نداریم.

خدایا هر کس ما را پروردگار (و خدا) بداند از او بیزاریم، و هر کس مدعی شود که آفرینش و روزی به دست ماست از او نیز بیزاریم مانند بیزاری عیسی بن مریم علیه السلام از نصاری.

خدایا ما آنها را به چنین پنداری دعوت نکرده ایم، پس ما را به گفتار آنها مؤاخذه نفرما. ما را ببخش از ادعای بیجای آنها، و بر روی زمین احدی از ایشان را باقی مگذار که اگر آنها را آزاد بگذاری بندگان را گمراه می‌کنند و جز فاجر و کافر از آنها متولد نخواهد شد.^۱

۱۵. درخواست خلق و رزق معصومین علیهم السلام از خدا

گروهی از شیعیان اختلاف داشتند که آیا ممکن است خداوند آفرینش و خلق و رزق و روزی را به امامان معصوم علیهم السلام واگذار نماید؟ بعضی می‌گفتند: این محال است و ممکن نیست که اجسام را جز خدا خلق کند و بعضی دیگر می‌گفتند: خداوند این قدرت و توانایی را به امامان علیهم السلام داده و آفرینش و رزق و روزی را به ایشان واگذار کرده است و این نزاع بین آنها شدت گرفت.

یکی از آنها گفت: چرا به (نماینده امام زمان علیه السلام) ابوجعفر محمد بن عثمان (سفیر دوم از سفرای چهارگانه) رجوع نمی‌کنید تا حق را بر شما روشن نماید؟ او واسطه بین ما و حضرت صاحب الامر علیه السلام است! همه راضی شدند و نامه‌ای نوشتند، در پاسخ توقیعی از طرف امام زمان علیه السلام بر دست او رسید که:

خداوند تعالی اجسام را خلق می‌کند و ارزاق را تقسیم

۱. الاعتقادات للشیخ الصدوق علیه السلام ۳۲۰ - ۳۲۲، بحار الانوار ۲۵/۳۴۳.

می‌نماید؛ زیرا او جسم نیست و حلول در جسم نمی‌کند، او همتایی ندارد و شنوا و بیناست. اما امامان معصوم (علیهم السلام) آنها از خدا تقاضا می‌کنند (هر چه بخواهند) خدا می‌آفریند و تقاضای رزق و روزی می‌کنند خداوند می‌پذیرد و رزق و روزی می‌دهد و دعای آنها را مستجاب می‌کند به جهت حقّ عظیمی که برای آنها قائل است.^۱

۱۶. فرمان به بیزاری از غالیان

ابوبصیر می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) فرمود: بیزارم - یا بیزار باش - از کسی که ما را پروردگار بداند. عرض کردم: خدا از او بیزار باشد. سپس فرمود: بیزارم - یا بیزار باش - از کسی که ما را پیامبر بداند. عرض کردم: خدا از او بیزار باشد.^۲

۱۷. نهی از معاشرت با غالیان

امام رضا (علیه السلام) فرمود: هر کس به تناسخ اعتقاد داشته باشد کافر است. سپس فرمود: خداوند غالیان را [که به تناسخ اعتقاد دارند] لعنت کند. چرا یهودی نشدند؟! چرا مجوسی نشدند؟! چرا مسیحی نشدند؟! چرا قدری مذهب نشدند؟! چرا از خوارج نشدند؟!

۱. الغیبة للشیخ الطوسی (علیه السلام) ۲۹۳، الاحتجاج ۲ / ۲۸۴ - ۲۸۵، بحارالانوار ۲۵ / ۳۲۹.

۲. رجال الکشی ۲ / ۵۸۷، بحارالانوار ۲۵ / ۲۹۷.

یعنی ای کاش این عقائد فاسد را داشتند ولی غالی نشده بودند؛
 زیرا غالیان - به لحاظ اعتقاد به تناسخ، تکذیب معاد، مباح
 دانستن محرّمات - از همه فرقه‌های انحرافی گمراه‌تر هستند.

سپس فرمود: با آنها ننشینید و رفاقت نکنید و از آنها بیزاری بجویید.
 خدا از آنها بیزار باشد.^۱

نگارنده گوید: قائلین به تناسخ می‌گویند: روح هر انسانی در دنیا
 از جسدی به جسد دیگر - انسان، حیوان و ... - منتقل می‌شود
 و سزای کارهای نیک و بدش را می‌بیند. قیامت، خروج روح از
 قالبی و ورود به قالب دیگر است، اگر نیکوکار بوده به قالبی بهتر
 درمی‌آید و اگر بدکار یا بی‌معرفت بوده به قالب حیوانات بارکش
 و جانوران بدشکل درمی‌آید. آنها تمام شهوات و محرّمات حتی
 خوردن مردار، شراب، خون و ... را مباح می‌دانند.

۱۸. توجیه ناروای غالیان به قصد اباحی‌گری

کسی از امام صادق علیه السلام پرسید: شما فرموده‌ای: «هنگامی که معرفت (به
 امامان علیهم السلام) داشتی هرچه خواستی انجام بده» حضرت فرمود: آری.
 پرسید: یعنی حتی اگر زنا، سرقت و شرب خمر نمایند؟!

حضرت فرمود: ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ [البقرة (۲): ۱۵۶] به خدا
 سوگند ما به انصاف رفتار نکردند که ما اهل عمل و بندگی باشیم ولی

۱. عیون أخبار الرضا علیه السلام ۲/ ۲۱۸ - ۲۱۹، بحار الانوار ۲۷۳/۲۵.

آنها نیازی به بندگی نداشته باشند. من گفتم: «هنگامی که معرفت داشتی هرچه خواستی از کارهای خیر و نیک انجام بده، کم یا زیاد که از تو پذیرفته است» (پس سخن ما مشروط بودن عمل و عبادت به معرفت است نه اسقاط تکالیف پس از معرفت).^۱

۱۹. تحریف کلام امام علیه السلام

شخصی دیگر به امام صادق علیه السلام عرض کرد: این خبیث‌ها یا این بیگانه‌ها - اشاره به غالیان - روایتی از پدرتان نقل می‌کنند که فرمود: «هنگامی که معرفت داشتی هرچه خواستی انجام بده» و هر حرامی را حلال شمرده‌اند.

حضرت فرمود: آنها را چه می‌شود؟! خدا لعنتشان کند. پدرم فرمود: «هنگامی که معرفت داشتی هر کار نیکی خواستی انجام بده که از تو پذیرفته است».^۲

۲۰. ضرر برخی از غالیان از هواداران بنی‌امیه بیشتر است!

امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که امام حسین علیه السلام به شهادت رسید شامیان برای تقرّب به یزید و گرفتن جایزه از او روایاتی جعل کردند که عاشورا روز برکت است تا مردم را از جزع، گریه، مصیبت و حزن

۱. الکافی ۲ / ۴۶۴، وسائل الشیعة ۱ / ۱۱۴.

۲. معانی الأخبار ۱۸۱، بحارالانوار ۱۷۴/۲۷، وسائل الشیعة ۱ / ۱۱۶.

بازدارند و به شادی و سرور پردازند. خدا بین ما و آنان حکم نماید. سپس فرمود: ضرر اینها بر اسلام و مسلمین به مراتب کمتر است از روایاتی که گروهی دیگر جعل کردند. کسانی که ادعای محبت و موالات ما را دارند و خیال می کنند قائل به امامت ما هستند و گفتند که امام حسین (ع) کشته نشده و امر آن حضرت - مانند حضرت عیسی (ع) - بر مردم مشتبّه گردیده است. بنابر این ادعا دیگر ملامتی بر بنی امیه نیست! کسی که گمان کند امام حسین (ع) کشته نشده قطعاً پیامبر (ص) ، امیرالمؤمنین و امامان (ع) را تکذیب کرده که خبر از شهادت آن بزرگوار داده اند و کسی که آنان را تکذیب کند به خدای عظیم کفر ورزیده و خونس مباح است.

راوی می گوید: عرض کردم: چه می فرمایید درباره گروهی از شیعیان که به این مطلب قائل هستند؟

حضرت فرمود: اینها شیعه من نیستند. من از آنها بیزارم.

سپس فرمود: خدا لعنت کند غالیان و مَفْوضه^۱ را که نافرمانی خدا را کوچک شمرده، به او کفر ورزیده، مشرک و گمراه شده و دیگران را نیز به گمراهی کشیدند. هدف آنها فرار از انجام فرائض و پرداخت حقوق است.^۲

۱. یعنی کسانی که می گویند خدا خلق و رزق را به ائمه (ع) واگذار کرده است.

۲. علل الشرائع ۱ / ۲۲۵ - ۲۲۷، بحارالانوار ۴۴ / ۲۶۹ - ۲۷۱، اثبات الهداة ۵ / ۳۸۳ - ۳۸۴.

۲۱. چه کسی غالی است؟ مبادا فریب بخورید!

امام باقر علیه السلام فرمود: ای شیعیان آل محمد شما میانه‌رو باشید که غالی (و تندر و دست از تندر و برداشته و) به شما برگردد و تالی (و و امانده) خودش را به شما برساند.

کسی پرسید: غالی یعنی چه؟ حضرت فرمود: کسی که درباره ما چیزی بگوید که خودمان نمی‌گوییم، نه آنها از ما هستند نه ما از آنها.

باز پرسید: تالی یعنی چه؟ حضرت فرمود: کسی که دنبال نیکی است [می‌خواهد دین حق و مقامات اهل بیت علیهم السلام را بداند ولی از آن بی‌اطلاع است]....

سپس فرمود: به خدا سوگند بین ما و خدا خویشاوندی نیست. ما حجتی بر پروردگار نداریم. تنها راه تقرب ما به خدا اطاعت از اوست. هر کسی از شما مطیع خدا باشد ولایت ما برای او سودمند است و اگر نافرمانی نماید ولایت ما برای او سودی ندارد. وای بر شما مبادا فریب بخورید! وای بر شما مبادا فریب بخورید!^۱

۲۲. اگر اهل بیت علیهم السلام هم دعوت به غلو نمایند نباید پذیرفته شود!

امام صادق علیه السلام فرمود: لعنت خدا بر مغیره بن سعید و آن زن یهودی که با او رفت آمد داشت و از او سحر و شعبده و کارهای خارق‌العاده

۱. رجوع شود به الکافی ۲/ ۷۵ - ۷۶، بحار الانوار ۶۷ / ۱۰۱ و ۷۵ / ۱۸۷، ۱۸۹،
أعلام‌الدین ۳۰۱، مشکاة الأنوار ۶۶ و رجوع شود به شرح الأخبار ۳ / ۵۰۲.

می‌آموخت. مغیره بر پدرم دروغ بست خداوند ایمانش را گرفت. گروهی نیز بر من دروغ بسته‌اند خداوند سوزش آهن (یعنی برندگی و تیزی شمشیر) را به آنها بچشانند.

به خدا سوگند ما نیستیم مگر بنده‌ای که خدا ما را آفریده و برگزیده است. ما (از پیش خود) قدرت سود و زیانی نداریم... وای بر آنها! چرا چنین می‌کنند؟! خدا لعنتشان کند.

به خدا سوگند قطعاً آنها خدا، پیامبر، امیرالمؤمنین، حضرت فاطمه، امام حسن، امام حسین، امام سجاد و امام باقر صلوات الله علیهم را آزدند.

اینک من در میان شما گوشت و پوست پیامبرم، در بستر خود (به جهت رفتاری که آنها دارند) آسایش ندارم. ترس و وحشت سرتاپایم را گرفته است. آنها آسوده هستند و من در ترس و وحشت. آنها در بستر خود آرمیده‌اند ولی من از خوف بیدار، بیمناک، نگران و آواره کوه و بیابان.

من بیزارم از آنچه ابوالخطاب - خدا لعنتش کند - درباره من گفته است. به خدا سوگند اگر آنها مبتلا می‌شدند که ما به آنها چنین دستوری می‌دادیم [و برای آزمایش از آنان می‌خواستیم که ما را خدا بدانند] بر آنها واجب بود که از ما نپذیرند، چه رسد که می‌بینند من از این مطلب بیمناک و ترسانم و از خدا علیه آنان یاری می‌طلبم (که انتقام مرا از آنها بگیرد) و در پیشگاه خداوند از آنها اعلام بیزاری می‌نمایم... اگر من اطاعت خدا نمایم مورد رحمت او قرار می‌گیرم و اگر (بر فرض محال)

نافرمانی او کنم مرا به شدت عذاب خواهد کرد.^۱

۲۳. غالی همتای ناصبی

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دو گروه از امت من بهره‌ای از دین اسلام ندارند: ناصبی... و کسی که غلو کرده و از دین خارج شده است.^۲

۲۴. محروم شدن غالی از شفاعت

امام صادق از پدر بزرگوارش علیه السلام نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: شفاعت من شامل دو گروه نمی‌شود: سلطان ستمگر - و بنابر روایتی رفیق و همراه سلطان ستمگر - و غالی در دین که از دین خارج شده و توبه نکرده و از غلو دست برندارد.^۳

۲۵. ما از غالیان بیزاریم

مأمون به امام رضا علیه السلام گفت: شنیده‌ام گروهی درباره شما غلو و زیاده‌روی می‌کنند. حضرت فرمود: پدرم حضرت موسی بن جعفر از پدرش جعفر بن محمد از پدرش محمد بن علی از پدرش علی بن الحسین از پدرش حسین بن علی از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام نقل کرد که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. رجال الکشی ۲ / ۴۹۱ - ۴۹۲، بحارالانوار ۲۵ / ۲۸۹ - ۲۹۰.

۲. من لا یحضره الفقیه ۳ / ۴۰۸، وسائل الشیعة ۲۰ / ۵۵۳.

۳. الخصال ۶۳، قرب الاسناد ۶۴، بحارالانوار ۲۵ / ۲۶۸ - ۲۶۹.

مرا از مقامی که دارم بالاتر نبرید؛ زیرا خداوند تبارک و تعالی مرا بنده خود قرار داده پیش از این که به پیامبری برگزیند. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: ﴿وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يُوْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّائِيِّنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ﴾ وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا ۚ يَقُومُ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ ﴿[آل عمران (۳): ۷۹ - ۸۰].^۱

و حضرت علی (ع) فرمود: دو دسته در مورد من هلاک می شوند و مرا گناهی نیست: دوستی که زیاده روی کند و دشمنی که کوتاهی نماید.

(سپس امام رضا (ع) فرمود:) ما بیزاریم از کسی که درباره ما غلو کند و ما را از مقامی که داریم بالاتر برد، همان گونه که حضرت عیسی (ع) از نصاری بیزار است.

خداوند عز و جل می فرماید: ﴿وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ﴾ * مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتُ أَنْتَ الرَّقِيبَ

۱. نمی شود بشری که خدا به او کتاب و حکم و پیامبری داده به مردم بگوید به جای خدا، بنده من باشید... خدا به شما فرمان نمی دهد که فرشتگان و پیامبران (ع) را به خدایی بگیرید. آیا پس از آن که سر به فرمان او نهاده و تسلیم او شده اید شما را فرمان به کفر می دهد؟

عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ [المائدة (۵): ۱۱۶ - ۱۱۷].^۱

و می فرماید: ﴿لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ﴾ [النساء (۴): ۱۷۲].^۲

و می فرماید: ﴿مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ صِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ﴾ [المائدة (۵): ۷۵]^۳ مراد از این که غذا می خورند آن است که آنها مدفوع دارند (پس چگونه می شود خدا باشند)!

امام رضا (علیه السلام) در پایان فرمود: هر کس برای پیامبران ربوبیت (و خدایی) و یا برای امامان مقام ربوبیت یا نبوت ادعا کند و یا برای کسی غیر از امامان (معصومین) ادعای امامت کند ما در دنیا و آخرت از او بیزاریم.^۴

۱. خدا فرمود: ای عیسی بن مریم، آیا تو به مردم گفته‌ای: من و مادرم را به جای خداوند بپرستید؟ حضرت عیسی پاسخ داد: منزهی تو، من حق ندارم چیزی را که حق من نیست بگویم. اگر آن را گفته بودم قطعاً آن را می دانستی... من چیزی جز آنچه مرا بدان فرمان داده‌ای به آنان نگفتم. به آنان نگفتم که: خدا، پروردگار من و پروردگارتان را عبادت کنید....

۲. حضرت مسیح (علیه السلام) از این که بنده خدا باشد هرگز ابا نمی‌ورزد و فرشتگان مقرب نیز [ابایی ندارند].

۳. مسیح پسر مریم (علیه السلام) جز پیامبری نبود که پیش از او نیز پیامبرانی آمده بودند و مادرش زنی صدیقه بود. هر دو غذا می‌خوردند.

۴. عیون أخبار الرضا (علیه السلام) ۲ / ۲۱۷، بحارالانوار ۲۵ / ۱۳۴ - ۱۳۵ و ۲۷۱ - ۲۷۲.

۲۶. نه غالیان از ما هستند نه ما از آنها

حضرت علی بن الحسین علیه السلام فرمود: یهودیان عَزِیز علیه السلام را دوست داشتند تا جایی که درباره او گفتند آنچه گفتند (و او را خدا دانستند)، عَزِیز از آنها بیزار است و آنها نیز با عَزِیز نسبتی ندارند. نصاری نیز به جهت شدت علاقه به حضرت عیسی علیه السلام درباره او گفتند آنچه گفتند (و او را خدا دانستند) عیسی علیه السلام از آنها بیزار است و آنها نیز ربطی به او ندارند. ما نیز بر همان روش و سنت هستیم. گروهی از شیعیان ما آنقدر در دوستی ما زیاده روی می نمایند که درباره ما چیزی را که یهودیان درباره عَزِیز علیه السلام و نصاری درباره عیسی بن مریم علیه السلام گفتند می گویند. نه آنها از ما هستند و نه ما از آنها هستیم.^۱

۲۷. فرمان به طرد نمودن غالیان

قاضی نعمان مغربی می نویسد: مغیره بن سعید از اصحاب امام باقر علیه السلام بود که مردم را به مذهب اهل بیت علیهم السلام دعوت می کرد ولی شیطان باعث لغزش (و گمراهی) او گردید و کافر شد. او امام باقر علیه السلام را خدا می دانست و می گفت: او مرا به پیامبری فرستاده است. جمع فراوانی از او پیروی نمودند که به «مغیره» معروف شدند.

امام باقر علیه السلام در آن زمان مانند امیرالمؤمنین علیه السلام حاکم نبود تا آنها را به قتل برساند (لذا آنچه در توان داشت در مخالفت با آنان بکار گرفت و)

۱. رجال الکشي ۱ / ۳۳۶، بحارالانوار ۲۵/۲۸۸.

مغیره و یارانش را لعن و نفرین نمود و از عقیده آنان اعلام برائت و بیزارى فرمود و به دوستان و شیعیانش نامه نوشت و از آنان خواست که این گروه را از خود برانند و آنها را لعن و نفرین نموده و از آنان اعلام بیزارى نمایند... مغیره و یارانش گناهان را مباح شمردند و تمام احکام شریعت را کنار گذاشتند.^۱

۲۸. چیزی می‌گوید که ما نمی‌گوییم

امام صادق (علیه السلام) فرمود: لعنت خدا بر مغیره بن سعید، او بر پدرم دروغ بست و خداوند سوزش آهن (یعنی برندگی و تیزی شمشیر) را به او چشانند.

لعنت خدا بر کسی که چیزی بگوید که ما درباره خودمان نمی‌گوییم.

لعنت خدا بر کسی که از ما سلب کند بندگی خدایی را که ما را آفریده و بازگشت ما به سوی اوست و مقهور و مملوک او هستیم (و اختیار ما به دست اوست).^۲

۲۹. معبودی جز خدا نیست

قاضی نعمان مغربی می‌نویسد: ابوالخطاب از مهم‌ترین کسانی بود که مردم را به مذهب اهل بیت (علیهم السلام) دعوت می‌کرد ولی کافر شد و ادعای

۱. دعائم الإسلام / ۱ / ۴۹.

۲. رجال الکشی / ۲ / ۴۸۹، بحار الانوار / ۲۵ / ۲۹۷.

پیامبری نمود و گفت: امام صادق علیه السلام خداست. او تمامی گناهان را حلال شمرد. هرگاه فریضه‌ای برای یارانش ثقیل می‌آمد از او درخواست تخفیف می‌کردند و او فرمان به ترک آن می‌داد تا آن‌که تمامی واجبات را کنار گذاشتند و همه معاصی را حلال شمردند و مرتکب کارهای خلاف گردیدند. او می‌گفت: هرکس امامش را بشناسد همه محرمات برای او حلال است. امام صادق علیه السلام [که بر حسب ظاهر دستش باز نبود تا با او رفتاری مانند رفتار امیرالمؤمنین علیه السلام با غالیان داشته باشد تنها] برخورداردی که می‌شد با او داشته باشد آن بود که او را لعن و نفرین فرمود، از او بیزاری جست و مطلب را با اصحاب در میان گذاشت و با نامه‌نگاری به بلاد مختلف ابلاغ فرمود.

رفتار ابوالخطاب نزد آن حضرت بسیار عظیم، زشت، شنیع و وحشتناک بود. مفضل می‌گوید: نزد آن حضرت رفتم دیدم زار و گریان است، پرسیدم: چه پیش آمده؟ فرمود: سبحان الله! منزّه و برتر است خدا از آنچه ظالمین می‌گویند. ای مفضل، این کذاب کافر مرا خدا دانسته. سبحان الله! منزّه است خدا. معبودی جز خدای یکتا نیست. پروردگار من و پروردگار پدرانم. او ما را آفرید و ما را از عطای خویش بهره‌مند ساخت (پس ما هر چه داریم از او داریم).
ما پرچم‌های هدایت و حجّت بزرگ خدا هستیم. به اصحاب ابوالخطاب بگو: ما مخلوق هستیم، ما بنده و مربوب (و دست‌پرورده) خدا هستیم.

البته خدا ما را در جایگاهی قرار داده که به ما اختصاص دارد و بس. ما نوری از نور خدا هستیم و شیعیان ما از ما هستند. هر کس با ما مخالفت نماید اهل آتش، هر کس از ما پذیرفت و ما را اطاعت نمود اهل بهشت، و هر کس از این کذاب کافر (ابوالخطاب) پیروی کرد اهل آتش است.^۱

۳۰. گریه امام صادق علیه السلام

بنابر نقل عامه، هنگامی که امام صادق علیه السلام شنید برخی قائل به خدایی آن حضرت شده و برخی دیگر قائل به پیامبری ایشان، به گریه افتاد و آن قدر گریست که محاسن مبارکش پر از اشک شد، سپس اشاره فرمود که اگر خدا مرا بر آنها مسلط نماید خونشان را بریزم.^۲

۳۱. خروج از ولایت با خوشرفتاری با غالی

امام رضا علیه السلام فرمود: غالیان کافر و مُقَوِّضه^۳ مشرک هستند. هر کس با آنها مجالست و معاشرت داشته باشد، در خوردن و آشامیدن با آنها مشارکت نماید، با آنها رابطه و پیوندی برقرار کند، به آنها دختر دهد و یا از آنان زن بگیرد، آنها را امان دهد یا به آنها اعتماد کند و امانتی نزدشان بگذارد، سخن آنها را تصدیق کند یا با کلمه‌ای - هرچند ناقص -

۱. دعائم الإسلام ۱ / ۴۹ - ۵۰.

۲. تاریخ جرجان للسهمی ۲۹۴ (چاپ عالم الکتب بیروت)، ملحقات إحقاق الحق ۲۳۶/۱۲.

۳. شرح آن در پاورقی صفحه ۲۶ گذشت.

آنها را کمک و تأیید نماید از ولایت خدا و پیامبر (ص) و ولایت ما اهل بیت خارج شده است.^۱

۳۲. دوستی با غالیان، دشمنی با اهل بیت (ع) است

امام رضا (ع) فرمود: هر کس غالیان را دوست بدارد به ما کینه ورزیده و کسی که به آنها کینه ورزد ما را دوست داشته است.

هر کس با آنها دوستی کند با ما دشمنی نموده و کسی که با آنها دشمنی نماید با ما دوستی نموده است.

هر کس به آنها بیوندد از ما بریده و کسی که با آنها قطع رابطه نماید به ما پیوسته است.

هر کس به آنها جفا نماید (و با آنها بدرفتار باشد) به ما نیکی (و با ما خوشرفتاری) کرده است و کسی که به آنها نیکی کند (و با آنها خوشرفتار باشد) به ما جفا (و با ما بدرفتاری) نموده است.

هر کس آنها را گرامی بدارد (و احترام و اکرام کند) به ما توهین کرده و کسی که به آنها اهانت کند ما را گرامی داشته است.

هر کس آنها را بپذیرد ما را رد کرده و کسی که آنها را رد کند ما را پذیرفته است.

۱. عیون أخبار الرضا (ع) ۲/ ۲۱۹، بحار الانوار ۲۵ / ۲۷۳، ۳۲۸.

هر کس به آنها احسان و نیکی نماید به ما بدی کرده و کسی که به آنها بدی کند به ما احسان و نیکی نموده است.

هر کس آنها را تصدیق کند ما را تکذیب نموده و کسی که آنها را تکذیب نماید ما را تصدیق کرده است.

هر کس به آنان بخشش نماید ما را محروم (و به ما بی‌مهری) کرده و کسی که آنها را محروم نماید به ما بخشش کرده است.

شیعه ما هرگز نباید از آنها دوست و یاور بگیرد.^۱

۳۳. خروج از ایمان با تصدیق غالی

امام صادق علیه السلام فرمود: کم‌ترین چیزی که انسان را از ایمان خارج می‌کند آن است که نزد غالی بنشیند و سخن او را گوش دهد و تصدیق نماید. پدرم از پدرش از جدش علیه السلام نقل نمود که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: دو گروه از امت مرا بهره و نصیبی از اسلام نیست: غالیان و قَدَریه.^۲

۱. التوحید ۳۶۴، عیون أخبار الرضا علیه السلام ۱ / ۱۳۱ - ۱۳۰، الاحتجاج ۲ / ۱۹۹، بحارالانوار ۲۹۴/۳ و ۵۳/۵ و ۲۵ / ۲۶۵ - ۲۶۶.

۲. الخصال ۷۲، بحارالانوار ۲۵ / ۲۷۰.

علامه مجلسی رحمته الله فرموده است: «قَدَری» در روایات هم بر قائلین به «جبر» اطلاق می‌شود هم بر قائلین به «تفویض» و هر یک از این دو فرقه، روایات مذمت «قدریه» را مربوط به دیگری می‌داند... و حق بر خلاف هر دو گروه است که «أمر بین الأمرین» باشد. (بحارالانوار ۵ / ۵ - ۷)

۳۴. لعنت بر کسی که بر غالیان ترحم نماید

عبدالله بن بکیر می‌گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که صحبت از ابوالخطاب شد (که از سران غالیان بود و کشته شده بود)، من به گریه افتادم، حضرت فرمود: آیا برای او غمگینی (و بر او ترحم داری)؟!^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: لعنت خدا بر ابوالخطاب. لعنت خدا بر کسانی که با او (و در راه یاری او) کشته شدند. لعنت خدا بر بازماندگان از یارانش و لعنت خدا بر کسی که ترحمی نسبت به آنان داشته باشد.^۲

⇒ «جبر»: یعنی بنده در انجام و ترک کارها هیچ اختیاری از خود ندارد و مجبور است و در حقیقت کارها را خدا انجام می‌دهد. این عقیده مستلزم اسناد ظلم به خدا و کفر است.

«تفویض»: یعنی خدا امور را به بندگان واگذار کرده و دخالتی در افعال آنها ندارد. این نیز کفر است.

«أمر بین الأمرین»: یعنی بنده در کارهای خود مجبور نیست و به اختیار خود آن را انجام می‌دهد ولی چنین نیست که امور به خودش واگذار شده باشد و خدا نتواند هیچ دخالتی در آن داشته باشد؛ زیرا - گذشته از آن که اعضا، جوارح، قوا، آلات و ادوات انجام هر کاری از خداوند است - اهل طاعت و بندگی با انجام کارهای نیک، «توفیق» خداوند را به سوی خود جلب می‌کنند و اهل معصیت با نافرمانی، خود را از توفیقات او محروم می‌کنند، و خداوند با «توفیق» و «خدلان» نیز در کار بندگان دخیل است.

برای اطلاع بیشتر رجوع شود به بحارالانوار ۵ / ۲ - ۸۴ باب نفی الظلم والجور عنه تعالی وإبطال الجبر والتفویض وإثبات الأمر بین الأمرین، مرآة العقول ۲ / ۱۷۳ - ۲۱۲، حق‌الیقین ۳۲ - ۳۴، شرح رساله اعتقادات علامه مجلسی علیه السلام ۱۹۳ - ۱۹۶.

۱. رجال الکشي ۲ / ۵۸۲، بحارالانوار ۷۹ / ۸۷ - ۸۸.

۲. رجال الکشي ۲ / ۵۸۴، بحارالانوار ۲۵ / ۲۸۰.

۳۵. غالیان توبه نمی‌کنند

راوی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: کار بزیع - یکی از غالیان که پیرو مغیره بن سعید بود - به کجا کشید؟ عرض کردم: کشته شد. حضرت فرمود: الحمدلله، برای اینها چیزی بهتر از کشته شدن نیست؛ زیرا هیچ گاه (از عقیده فاسدشان دست برنمی‌دارند و) توبه نمی‌کنند.^۱

۳۶. غالیان بدترین خلائق هستند، جوانان را گمراه نکنند!

امام صادق علیه السلام فرمود: مواظب باشید که غالیان جوانان شما را گمراه نکنند. غالیان شرورترین خلق خدا هستند. عظمت پروردگار را کوچک نشان داده و ادعای ربوبیت (و خدایی) برای بندگان می‌کنند. به خدا سوگند غالیان از یهود، نصاری، مجوس و مشرکان بدترند. غالی توبه می‌کند و به سوی ما بر می‌گردد ما او را نمی‌پذیریم ولی کسی که مقصر است (و درباره ما کوتاهی داشته) بر می‌گردد او را می‌پذیریم.

عرض کردند: چگونه چنین چیزی ممکن است؟

فرمود: غالی به ترک نماز، زکات، روزه و حج عادت کرده و هیچ‌گاه نمی‌تواند عادت خود را کنار بگذارد و به بندگی خدا برگردد ولی مقصر وقتی اهل معرفت شد (به فرمان ما) عمل می‌کند و (از ما) اطاعت می‌نماید.^۲

۱. رجال الکشی ۲ / ۵۹۳ - ۵۹۴.

۲. الأمالی للشیخ الطوسی علیه السلام ۶۵۰، بحارالانوار ۲۵ / ۲۶۵ - ۲۶۶ و ۷۶ / ۲۲۵.

نگارنده گوید: این که در روایات گذشته آمده: «آنها هیچ گاه توبه نمی کنند» و فرمود: «غالی توبه می کند و به سوی ما بر می گردد ما او را نمی پذیریم» بدان معنا نیست که غالی تکلیف به توبه ندارد بلکه خبر از وخامت حال آنان است؛ زیرا گذشته از حکم عقل و عموماً امر به توبه، خدا درباره نصاری فرموده: «کسانی که قائل به تثلیث شدند، قطعاً کافر شده اند. هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست. اگر از آنچه می گویند دست برندارند، به آنان عذابی دردناک خواهد رسید. پس آیا به سوی خدا باز نمی گردند و از وی آمرزش نمی خواهند؟ و خدا آمرزنده مهربان است» [المائدة (۵): ۷۳ - ۷۴].

در روایات متعدد نیز تصریح به لزوم توبه برای غالی شده است. در روایت ۲۴ گذشت که: شفاعت من شامل حال غالی که توبه نکرده نمی شود. و خواهد آمد که امیرالمؤمنین (ع) اصرار داشت که غالیان توبه کنند و به آنان فرمود: اگر از اعتقادی که درباره من دارید برنگردید شما را می کشم.^۱

امام صادق (ع) به غالیان فرمود: وای بر شما به سوی خدا برگردید و توبه کنید که شما فاسق، کافر و مشرک هستید.^۲

امام زمان (ع) فرمود: این نامه امانت است برگردن تو و هر کسی که از آن اطلاع یابد... تا همه از آن با خبر شوند، شاید خدا غالیان را هدایت نماید که به دین خدا و دین حق برگردند.^۳

۱. رجوع شود به عنوان: «نابود کردن غالیان با دود و آتش» صفحه ۴۳ - ۴۶.

۲. رجوع شود به رجال الکشی ۲ / ۵۸۷، ۷۰۱، بحارالانوار ۲۵ / ۳۰۴.

۳. الاحتجاج ۲ / ۲۸۹، بحارالانوار ۲۵ / ۲۶۶ - ۲۶۸.

۳۷. قطعاً غالی از مقصر بدتر است!

امام صادق علیه السلام فرمود: چقدر حرف‌های مردم درباره امیرالمؤمنین علیه السلام شگفت و عجیب (و متناقض) است! چقدر فاصله است بین کلام کسی که می‌گوید: او پروردگار و معبود است و کلام کسی که می‌گوید: او بنده گنهکار خداست! و قطعاً سخن کسی که [العیاذ بالله] نسبت گناه به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌داد، برای آن حضرت آسان‌تر بود از کسی که به آن حضرت نسبت ربوبیت و خدایی می‌داد.^۱

۳۸. لعنت بر کسی که در لعن غالی توقف یا تردید نماید!

امام جواد علیه السلام فرمود: لعنت خدا بر ابوالخطاب و لعنت بر یارانش و لعنت بر کسانی که شک و تردیدی در لعن او داشته باشند و در این مطلب توقف نمایند.

ابوالغمرو، جعفر بن واقد و هاشم بن ابی‌هاشم (هر سه از سران غالیان بوده‌اند) با نام ما مال مردم را می‌خوردند و مردم را به عقیده (فاسد) ابوالخطاب دعوت می‌کنند. لعنت خدا بر ابوالخطاب و بر اینها و بر هر کسی که دعوتشان را بپذیرد.

هرگز برای دشوار نباشد لعن کردن آنان؛ زیرا که خدا آنها را لعنت نموده و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده: هر کس از لعنت کردن بر کسی که مورد لعن

۱. الأملی للشیخ الصدوق علیه السلام ۱۶۵، بحارالانوار ۶۷ / ۴، اثبات الهداة ۵ / ۳۸۱.

و نفرین خداست خوشش نیاید - یا از آن خودداری نماید - خدا او را لعنت کند.^۱

۳۹. غلو در امام به انگیزه جاه طلبی

امام باقر علیه السلام فرمود: عبدالله بن سبا ادعای نبوت داشت و می گفت: امیرالمؤمنین علیه السلام خداست - خدا برتر (و منزّه) است از چنین گفتاری - این سخن به امیرالمؤمنین علیه السلام رسید، حضرت او را خواست و از اعتقادش سؤال کرد، او اعتراف نمود و گفت: به دلم چنین افتاده که تو خدایی و من پیامبر. حضرت فرمود: وای بر تو! شیطان تو را مسخره کرده، مادرت به عزایت بنشیند، از این عقیده برگرد و توبه کن. او امتناع ورزید، حضرت دستور داد وی را حبس کنند. سه روز پشت سرهم از او خواست که توبه کند ولی نمی پذیرفت، پس از آن او را با آتش سوزانند. و فرمود: شیطان وی را سرگردان کرد و به هوس انداخت. شیطان این مطلب را به او القا نمود.^۲

۴۰. نابود کردن غالیان با دود و آتش

در منابع شیعه و سنی روایات فراوان نقل شده که عده ای امیرالمؤمنین علیه السلام را خدا دانسته و این عقیده را نزد آن حضرت اظهار

۱. رجال الکشی ۲ / ۸۱۰ - ۸۱۱، بحارالانوار ۲۵ / ۳۱۸ - ۳۱۹.

۲. رجال الکشی ۱ / ۳۲۳ بحارالانوار ۲۵ / ۲۸۶ و رجوع شود به المناقب ۲۲۷ / ۱.

نمودند. مولا به شدت بر آنها انکار و آنها را تهدید فرمود که اگر توبه نکنند آنها را نابود خواهد کرد. به چند گزارش در این زمینه توجه فرمایید:

گزارش اول: پس از جنگ جمل، هفتاد نفر از زُطّ (سیاهپوستان یا هندیان) خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام رسیدند، [به حضرت سلام کردند و با زبان خودشان صحبت کردند و حضرت با زبان خودشان پاسخ آنها را داد]، آنها حضرت را خدا خوانده و برایش سجده نمودند. حضرت به آنها فرمود: وای بر شما این کار را نکنید، من مخلوقی مانند شما هستم. آنها نپذیرفتند [و گفتند: تو همان خدا هستی]. فرمود: اگر از اعتقادی که درباره من دارید برنگردید و توبه نکنید قطعاً شما را می کشم. آنها از پذیرفتن فرمایش حضرت امتناع ورزیدند، حضرت دستور داد گودالهایی حفر کردند و آتشی افروختند، سپس قبر آنها را یکی پس از دیگری بر دوش می گرفت و در آتش می افکند.^۱

گزارش دوم: روزی قبر نزد آن حضرت آمد و گفت: ده نفر درب خانه ایستاده اند که معتقدند شما پروردگار آنها هستی. حضرت فرمان داد که وارد شوند و از آنها پرسید: شما چه می گوئید؟ گفتند: تو پروردگار ما هستی. تو ما را آفریده ای و به ما روزی می دهی. حضرت فرمود: وای بر شما، از این گفتار دست بردارید، من هم مخلوقی هستم

۱. المناقب لابن شهر آشوب ۱ / ۲۲۷، بحارالانوار ۲۵ / ۲۸۵.

مانند شما. آنها امتناع ورزیدند و دست از سخنشان برنداشتند. حضرت فرمود: وای بر شما، پروردگار من و پروردگار شما خداست. توبه کنید و از این اعتقاد برگردید. گفتند: ما بر نمی گردیم: تو پروردگار ما هستی، به ما روزی می دهی و تو ما را آفریده ای. حضرت فرمود: ای قنبر، برو چند نفر کارگر بیاور، قنبر رفت و ده نفر کارگر آورد. حضرت دستور داد زمین را کنند و هیزم و آتش در آن گودال ریختند همین که آتش افروخته شد به آنها فرمود: توبه کنید. گفتند: ما از اعتقاد خویش بر نمی گردیم. ابتدا چند نفر و سپس بقیه را در آتش انداخت.^۱

گزارش سوم: بنابر روایتی آنها می گفتند: تو خدای ما، آفریننده ما و روزی دهنده ما هستی. آغاز ما از تو و بازگشت ما به سوی توست. با شنیدن این سخن، رنگ از چهره مبارک حضرت پرید و شروع به عرق ریختن کرد و - از خوف خداوند و به جهت تعظیم در برابر جلال و عظمت او - به خود می لرزید و خشمناک از جا برجست....^۲

گزارش چهارم: ابن ابی الحدید روایت کرده که عده ای در ماه مبارک رمضان مشغول غذا خوردن بودند، حضرت از آنها پرسید: مسافر

۱. رجال الکشی ۲ / ۵۹۶، بحارالانوار ۲۵ / ۲۹۹ - ۳۰۰. این مطلب به همین سند با کمی تفاوت در مصادر عامه به سند معتبر نقل شده است. (فتح الباری ۱۲ / ۲۳۸، نیل الأوطار ۵ / ۸ - ۶) و نیز رجوع شود به رجال الکشی ۱ / ۲۸۸، شرح ابن ابی الحدید ۵ / ۵ - ۶، الأنساب للسمعانی ۵ / ۴۹۸ - ۴۹۹، ملحقات إحقاق الحق ۸ / ۶۴۲ به نقل از البدء والتاریخ للمقدسی ۵ / ۱۲۵.

۲. دعائم الإسلام ۱ / ۴۸ - ۴۹.

هستید یا بیمار؟ گفتند: هیچ کدام. فرمود: شما از اهل کتاب (مسیحی یا یهودی و از اهل ذمه) هستید؟ گفتند: نه. فرمود: چرا در روز ماه مبارک رمضان مشغول غذا خوردن شده‌اید. گفتند: اُنْتُ اُنْتُ! تو تو! [و اشاره به ربوبیت آن حضرت کردند]، حضرت از مرکب پایین آمد و [به جهت تواضع در برابر خدای تعالی] صورت بر خاک گذاشت.^۱

گزارش پنجم: در روایت مفصل دیگری نقل شده که پس از سخن گفتن جمجمه انوشیروان با امیرالمؤمنین (علیه السلام) در ایوان مدائن، عده‌ای از دیدن این معجزه مبهوت شده و نتوانستند آن را تحمل نمایند و قائل به الوهیت آن حضرت گردیدند و به سرنوشت عبدالله بن سبا و هم‌فکرانش دچار گردیدند.^۲

نگارنده گوید: بنابر روایات معتبر حضرت دستور داد دو یا چند چاه حفر نمایند و چاه‌ها را به هم متصل نمود و آنها را در میان آنها انداخت، سپس سر آنها را بست و در یکی از آن چاه‌ها آتش افروخت که کسی در آن نبود. دود آن چاه‌ها را فراگرفت و همه آنها (خفه شده و) مردند.^۳

۱. شرح ابن ابی الحدید ۵/ ۵-۶ و ۸/ ۱۱۹-۱۲۰.

۲. رجوع شود به نوادر المعجزات ۲۱-۲۲، عیون المعجزات ۱۰-۱۱، الفضائل لشاذان القمی ۷۱-۷۲، بحارالانوار ۴۱/ ۲۱۳-۲۱۵، مستدرک الوسائل ۱۸/ ۱۶۸-۱۷۰.

۳. الکافی ۷/ ۲۵۹-۲۶۰، من لا یحضره الفقیه ۳/ ۱۵۰، رجال الکشی ۱/ ۳۲۵، بحارالانوار ۲۵/ ۲۸۷.

این مطلب به سند صحیح از امام صادق (ع) نقل شده است،^۱ بنابر این، آنچه در روایات دیگر از سوزاندن با آتش آمده از باب مجاز در اسناد است یا از اشتباه راویان، و البته امکان حمل بر واقعه‌های متعدد نیز در آن راه دارد، به این بیان که حکم در مورد آنها متفاوت بوده و یا امام (ع) در هر واقعه‌ای در انتخاب سوزاندن آنها با آتش یا نابود کردنشان با دود مخیر بوده است.^۲

-
۱. علی بن ابراهیم، عن أبیه، عن ابن أبي عمیر، عن هشام بن سالم، عن أبي عبد الله (ع): أتى قوم أمير المؤمنين (ع) فقالوا: السلام عليك يا ربنا، فاستتابهم فلم يتوبوا، فحفر لهم حفيرة وأوقد فيها ناراً، وحفر حفيرة أخرى إلى جانبها وأفضى ما بينهما، فلما لم يتوبوا ألقاهم في الحفيرة، وأوقد في الحفيرة الأخرى حتى ماتوا. (الكافي ۲۵۷/۷ - ۲۵۸، الأمالي للشيخ المفيد (ع) ۳، الأمالي للشيخ الطوسي (ع) ۶۶۲، تهذيب الاحكام ۱۳۸/۱۰، الإستبصار ۴/ ۲۵۴، وسائل الشيعة ۲۸/ ۳۳۴، اثبات الهداة ۳۷۲/۵، بحارالانوار ۴۰/ ۳۰۰ و ۱۶۱/ ۴۲ و ۷۶/ ۲۲۶)
 ۲. مانند روایتی که به سند صحیح از هشام بن سالم - راوی گذشته - نقل شده است: حدّثني محمد بن قولويه، قال: حدّثني سعد بن عبد الله، قال: حدّثنا يعقوب بن يزيد ومحمد بن عيسى، عن ابن أبي عمير، عن هشام بن سالم قال: سمعت أبا عبد الله (ع) يقول - وهو يحدث أصحابه بحديث عبد الله بن سبأ وما ادّعى من الربوبية في أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع)، فقال -: إنه لما ادّعى ذلك فيه استتابه أمير المؤمنين (ع) فأبى أن يتوب فأحرقه بالنار. (رجال الكشي ۱/ ۳۲۳، وسائل ۲۸/ ۳۳۶، اثبات الهداة ۵/ ۳۹۸)

فهرست

پیشگفتار.....	۳
غالیان از دیدگاه معصومین (ع).....	۳
نوشتار حاضر.....	۵
۱. لزوم تعظیم خدا و پیامبر (ص) و میانه‌روی در محبت اهل بیت (ع).....	۷
۲. غالیان سبب تخریب چهره نورانی اهل بیت (ع).....	۷
۳. غالی بر دین ما نیست.....	۸
۴. هلاکت غالیان.....	۸
۵. نفرین امیرالمؤمنین (ع) بر غالیان.....	۹
۶. بیانی زیبا در عجب و نادانی غالیان.....	۹
۷. سکوت در برابر غالیان، هرگز!.....	۱۳
۸. غضب امام صادق (ع) بر غالیان.....	۱۴
۹. خضوع معصومین (ع) در برابر خدا پاسخی کوبنده برای غالیان.....	۱۵
۱۰. برخورد شدید امام صادق (ع) با غالیان.....	۱۷
۱۱. فرمان امام هادی (ع) به قتل غالیان.....	۱۸
۱۲. خالق و رازقی جز خدا نیست.....	۱۹
۱۳. افترا بر امام (ع).....	۲۰
۱۴. بیزاریم از کسی که آفرینش و روزی را به دست ما بداند.....	۲۱
۱۵. درخواست خلق و رزق معصومین (ع) از خدا.....	۲۲
۱۶. فرمان به بیزاری از غالیان.....	۲۳
۱۷. نهی از معاشرت با غالیان.....	۲۳

۱۸. توجیه ناروای غالیان به قصد اباحی‌گری ۲۴
۱۹. تحریف کلام امام (ع) ۲۵
۲۰. ضرر برخی از غالیان از هواداران بنی‌امیه بیشتر است! ۲۵
۲۱. چه کسی غالی است؟ مبادا فریب بخورید! ۲۷
۲۲. اگر اهل بیت (ع) هم دعوت به غلو نمایند نباید پذیرفته شود! ۲۸
۲۳. غالی همتای ناصبی ۲۹
۲۴. محروم شدن غالی از شفاعت ۲۹
۲۵. ما از غالیان بیزاریم ۲۹
۲۶. نه غالیان از ما هستند نه ما از آنها ۳۲
۲۷. فرمان به طرد نمودن غالیان ۳۲
۲۸. چیزی می‌گوید که ما نمی‌گوییم ۳۳
۲۹. معبودی جز خدا نیست ۳۴
۳۰. گریه امام صادق (ع) ۳۵
۳۱. خروج از ولایت با خوشرفتاری با غالی ۳۵
۳۲. دوستی با غالیان، دشمنی با اهل بیت (ع) است ۳۶
۳۳. خروج از ایمان با تصدیق غالی ۳۷
۳۴. لعنت بر کسی که بر غالیان ترحم نماید ۳۸
۳۵. غالیان توبه نمی‌کنند ۳۹
۳۶. غالیان بدترین خلائق هستند، جوانان را گمراه نکنند! ۳۹
۳۷. قطعاً غالی از مقصّر بدتر است! ۴۱
۳۸. لعنت بر کسی که در لعن غالی توقف یا تردید نماید! ۴۱
۳۹. غلو در امام به انگیزه جاه‌طلبی ۴۲
۴۰. نابود کردن غالیان با دود و آتش ۴۲
- فهرست ۴۷